

# بررسی ضرورت رویکرد اقتصاد کلان بر اساس اندیشه مبنایی شهید صدر رحمته الله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴

علیرضا لشکری\*  
حسین بحرینی یزدی\*\*

## چکیده

اقتصاد خرد و کلان در اصل این مبنا مشترک‌اند که بازار، زمینه مناسبی برای تحقق کارایی، حداکثر تولید و بالتبع حداکثر رفاه اقتصادی است. اقتصاد خرد، این مهم را با فروض رقابت آزاد در پیگیری منافع فردی و هماهنگی حداکثری این نفع شخصی با نفع جمعی به کمک دست نامرئی یا هماهنگ‌شدن توسط مداخلات حداقلی دولت دنبال می‌کند؛ از این رو نگرش کلان در اقتصاد خرد، کاملاً تجمیعی است. کینز با انکار فروض فوق، اقتصاد کلان غیر تجمیعی را به عنوان نظریه اقتصادی مورد توجه فرد و دولت، پیشنهاد داد. شهید صدر رحمته الله با ارائه مذهب اقتصادی اسلام، بازار را در چارچوب خاصی به رسمیت می‌شناسد؛ ولی با فروضی غیر از اقتصاد خرد نئوکلاسیکی و در عین حال پایه تفکر اقتصاد کلان را نیز استوار می‌سازد؛ البته نه با فرض تحلیل عدم کارایی بازار کینز بلکه با فرض تحقق توازن اجتماعی از طریق حداکثرسازی نفع جمعی دنیوی در قبال حداکثرسازی نفع فردی اخروی. با این دید، اقتصاد اسلامی حتماً به رویکرد اقتصاد کلان نیاز دارد. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به اسناد به گوشه‌ای از مبنا و ماهیت اقتصاد کلان متعارف و اسلامی و لزوم رویکرد کلان اسلامی بر اساس دیدگاه شهید صدر رحمته الله می‌پردازد.

**واژگان کلیدی:** هماهنگی میان منافع فردی و جمعی، شهید صدر رحمته الله، اقتصاد کلان، اقتصاد اسلامی.

طبقه‌بندی JEL: P51, B12, B15, B22, B40

## مقدمه

بخش اقتصاد بازار به معنای مبادله آزادانه و خصوصی مردم در نظام اقتصادی که غالباً به گسترش مالکیت خصوصی منجر می‌شود در انواع نظام‌های اقتصادی به صورت کم‌وزیاد مورد توجه قرار دارد. البته مذهب اقتصادی مارکسیسم بر رد مبادله خصوصی اصرار داشت. برخی همانند مذهب لیبرال سرمایه‌داری به صورت حداکثری به این آزادی مبادله و تبعات آن یعنی مالکیت خصوصی حداکثری توجه می‌کنند و برخی مانند مذهب اقتصادی اسلام مبادله خصوصی را در قلمرو محدودتر نسبت به لیبرالیسم می‌پذیرد؛ از این رو سهم رفتار و کنش‌های افراد در اقتصاد مهم است. در لیبرالیسم با دامنه آزادی گسترده‌تر، تحلیل اقتصادی با دو شاخه علمی خرد و کلان صورت می‌گیرد. یکی از مباحث مهم برای تفکیک اقتصاد به خرد و کلان، نیاز به مبانی خردی است. ریشه این مبنا در این است که آیا رعایت آزادی و به تبع آن منافع خصوصی به هر معنایی و از هر طریقی، می‌تواند به نفع جمعی بینجامد و همکاری و هماهنگی اجتماعی از قبیل افزایش سرمایه‌گذاری، رشد، توسعه، رفاه اجتماعی، عدالت اقتصادی و رفع زمینه فقر را به همراه داشته باشد تا خود مشوقی برای توسعه آزادی‌ها باشد؟ (Dow, 1998, p.85) چگونه قوام اجتماعی، تعاون، همکاری و هماهنگی رخ می‌دهد و افراد از کنار یکدیگر بودن، سود می‌برند؟ نتیجه بحث از مبانی خردی در تحلیل تعادل و عدم تعادل، ورود بحث انتظارات، سیاست‌گذاری و موارد دیگر بسیار اهمیت دارد.

کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها غالباً دارای این دیدگاه بودند که رفتار و کنش‌های افراد در حیطه اقتصادی دارای منطق و عقلانیت است و برون‌داد کلی این رفتارها با آنها هماهنگ است؛ به این معنا که اگر عقلاً به پس‌انداز مشغول باشند حتماً به کمک دست نامرئی، سرمایه‌های جدید (سرمایه‌گذاری) افزایش می‌یابد و در نتیجه سرمایه کل رشد می‌کند و سپس تولید کل فزونی می‌یابد. پس در میان پیامدهای خصوصی ناشی از گسترش مبادله خصوصی به انگیزه گسترش مالکیت و نفع شخصی با منافع جمعی یعنی رشد اقتصادی و کنترل تورم و رکود، هماهنگی به وجود می‌آید. پیامد هماهنگی قهری، ترویج اراده آزاد و تفکر «بگذار بشود» است (آنیکین، ۱۳۵۸، صص ۲۵۳ و ۲۵۶). ماندویل، مالتوس، جان مینارد کینز و طیف گسترده‌ای از سوسیالیست‌ها این همکاری، هماهنگی و تعاون (تعبیر مختلف در مبانی مختلف) را به انحای گوناگون انکار کرده‌اند. نتیجه اثبات عدم همکاری، نیاز به عاملی

بیرون از بازار و اراده‌های آزاد مردم است (مثلاً دولت با ابزارهای پولی - مالیاتی یا نهادهای قدرتمند) تا با درجات مختلف از اعمال نفوذ در اقتصاد، هماهنگی را به ارمغان آورد (برای مطالعه بیشتر رک به: Dow, 1998, pp.85, 91, 106). نکته مهم این است که مسئله تضاد میان نفع شخصی و جمعی در اقتصاد بازار لیبرال به رسمیت شناخته شده است و بعد دو رویکرد فوق برای حل این تضاد ارائه شده است.

پس از گذر از این مبانی، دو نظریه اقتصاد خرد به معنای تحلیل اقتصادی رفتار یا کنش فردی و سپس تجمیع آن برای درک بروندهای کلی هماهنگ و نظریه اقتصاد کلان به معنای مطالعه اقتصاد در سطح کلی به دلیل ناهماهنگی حداکثری یا جزئی میان بروندهای کلی و خردی به وجود آمد (رایبسون، ۱۳۵۸، ص ۱۰۵) و بدین ترتیب و از این جهت، مکتب‌های مختلف اقتصاد کلان متولد شدند.

در اندیشه اقتصاد اسلامی از سوی بسیاری از اندیشمندان، به این مطلب توجه کافی نشده است. در این بین شهید صدر علیه السلام با دو ادعا به مبنای هماهنگی یا ناهماهنگی میان رفتارهای خردی و بروندهای جمعی در جامعه اسلامی توجه کرده‌اند؛ اولاً ریشه ناهماهنگی مطرح شده در اقتصاد لیبرال، در اقتصاد اسلامی وجود ندارد؛ ثانیاً، در اقتصاد اسلامی هماهنگی ناشی از تطابق و لحاظ منافع جمعی در انگیزه رفتارهای فردی نقش بسیار مهمی دارد؛ از این رو هماهنگی ایجاد شده در جامعه اسلامی قوی‌تر است\* (الصدر، ۱۴۲۴ق، ص ۳۵۵).

شهید صدر علیه السلام دیگر بحث را ادامه نداده‌اند و وارد مباحث روش و پس از آن، علم نشده‌اند؛ اما می‌توان از مطالب فوق برداشتی قوی داشت که فارغ از بحث از نیاز به اقتصاد خرد و روش تحلیل آن در اقتصاد اسلامی، قطعاً برای تحلیل رفتار و کنش‌های اقتصادی در جامعه اسلامی، افراد و نه فقط دولت از رویکرد کلان بهره می‌برند. در این تحقیق سعی شده است از تعبیر به علم اقتصاد کلان اسلامی یا دانش اقتصاد کلان اسلامی اجتناب شود؛ زیرا فعلاً بحث از پیامدهای توجه به یک مبنای البته مهم است و هنوز تا رسیدن به علم اقتصاد فاصله وجود دارد؛ بنابراین در همه این مقاله از واژه «رویکرد کلان» برای ادبیات اسلامی

\*. شهید صدر علیه السلام قائل است هر انگیزه دیگری به فروپاشی اجتماعی منجر می‌شود (الصدر، ۱۴۲۱ب، ص ۱۲۹).

استفاده می‌شود.\* بحث از روش تدوین این رویکرد در زمینه اسلامی و تفاوت‌های آن با اقتصاد کلان متعارف مطالعه دیگری را می‌طلبد.

این مقاله درصدد اثبات و لزوم رویکرد کلان اسلامی بر اساس مبنای شهید صدر علیه السلام است. برای این منظور از اسناد کتابخانه‌ای به روش توصیفی - تحلیلی بهره برده می‌شود.

## روش و جهت بحث در این تحقیق

این مقاله در دو بخش تدوین شده است: نخست، از مبنای هماهنگی میان رفتارهای فردی و برونداد اجتماعی و تأثیر آن در اتخاذ مبانی خردی در اقتصاد کلان متعارف بحث می‌کند و دوم، نظر شهید صدر علیه السلام در مورد مبنای مذکور طرح می‌شود.

در قسمت اول منابع بسیار و ادبیات گسترده‌ای از فلسفه علم اقتصاد و روش‌شناسی و ارائه روش تا ایجاد نظریه اقتصاد کلان وجود دارد؛ اما در قسمت دوم تقریباً هیچ مطلب معتنا به‌ای غیر از کلمات و تحقیقات شهید صدر علیه السلام آن هم در قسمت مبنا به چشم نمی‌آید. قاعده بحث در انتساب لزوم رویکرد کلان اسلامی به اندیشه شهید صدر علیه السلام این بود که با مراجعه دقیق به آثار شهید صدر علیه السلام و پژوهش‌های انجام‌شده حول آنها از سایر محققان اقتصاد اسلامی، مسئله شهید صدر علیه السلام در اقتصاد به‌درستی درک و تبیین می‌شد. سپس بر اساس این درک و پیمودن مسیری که ایشان در کل آثار خود ارائه داده‌اند به نتیجه جامعی از روش تحلیل اقتصادی در نظر ایشان دست یافته و مشخص می‌شد که اگر ایشان می‌خواستند به مطالعه رخدادهای اقتصادی در جامعه اسلامی بپردازند چه روش‌هایی را برمی‌گزیدند و برونداد آن نظریه اقتصادی خرد یا کلان یا تلفیقی از آن دو یا متمایز از آنها می‌شد؛ اما در این پژوهش، نویسندگان به اجزای نظریه شهید صدر علیه السلام توجه کرده‌اند و بر اساس یکی از مبانی مهم نظریه ایشان که در آثار مختلف از جمله المدرسة القرآنیة (۱۴۲۱ب)، اقتصادنا (۱۴۲۴) و الاسلام يقود الحياة (۱۴۲۱الف) بروز و ظهور دارد، تحلیل و بررسی خود را حول موضوع مطرح‌شده، ارائه می‌دهند. از این جهت که این بحث بسیار مبنایی است و صاحب این مبنا

\*. البته واژه رویکرد دارای بار معنایی خاصی قریب به معنای پارادایم است و از آنجا که هنوز این مقاله از سطح مبنا خارج نشده است از این واژه استفاده می‌شود. در واقع این استفاده دقیق نیست و مختص به همین مقاله است.

یعنی شهید صدر علیه السلام دارای ذهن و تفکر نظام‌مند بوده و سعی داشته از مبانی خود حفاظت و دفاع کند، اتخاذ این روش برداشت نیز به نظر صحیح می‌رسد.

## پیشینه تحقیق

موضوع این پژوهش، ضرورت رویکرد کلان اقتصادی برای اقتصاد اسلامی است که برای اثبات آن از تحلیل مبنایی شهید صدر علیه السلام استفاده شده است. با این عنوان موضوع نه تنها درباره مبنای شهید صدر علیه السلام بلکه به صورت کلی نیز پژوهشی در اقتصاد اسلامی در ادبیات فارسی، عربی و انگلیسی یافت نشد. البته چودری در مقاله‌ای تدوین شده از مجموعه تحقیقات و سخنرانی‌هایش با عنوان «Islamic Macroeconomics» در قالب یک سؤال به این موضوع اشاره می‌کند (Choudhury, 2006). وی می‌پرسد: [آیا] اقتصاد کلان اسلامی [وجود دارد]؟ بعداً مباحث بیشتری مطرح می‌گردد؛ اما در خصوص مبنای علمی قابل برداشت از نظریه شهید صدر علیه السلام با عنوان این پژوهش بلکه عناوین نزدیک به آن، تحقیقی ملاحظه نشد. در پیشینه این پژوهش می‌توان به برخی از آثار اشاره کرد:\*

## الف) پیشینه داخلی

میرمعزی در کتاب اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی (۱۳۹۶) نظام اقتصادی اسلام را به روش اقتصاد کلان مطالعه کرده است. قالب کتاب همانند کتاب النظرية الاقتصادية الإسلامية اتجاه تحليلي (۱۴۱۷ق) تحقیق الزامل و بن‌جیلانی است؛ البته با تفصیل بیشتر و اضافه کردن بررسی عرضه کل. نویسنده غرض خود را از تدوین این اثر، «اثبات امکان» مطالعه اقتصاد اسلامی به روش‌های متداول در مطالعه نظام‌های تحقق یافته - از قبیل نظام اقتصاد لیبرالیستی در برخی کشورهای غربی - مطرح می‌کند (میرمعزی، ۱۳۹۶، ص ۱۹). وی در مقدمه اشاره می‌کند «با تعریف اقتصاد کلان و تبیین روش این علم در مطالعه نظام اقتصادی تحقق یافته، توضیح دادیم که چگونه می‌توان از روش مزبور در مطالعه نظام اقتصاد اسلام که تحقق نیافته و

\*. اکثر مطالب از فصل سوم رساله دکتری با عنوان «تبیین روش شناسانه علم اقتصاد کلان اسلامی در آثار موجود در مقایسه با علم اقتصاد کلان متعارف» (۱۴۰۰) اثر حسین بحرینی بزدی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه برداشت شده است.

دستوری است، استفاده کرد» (همان، ص ۱۷). از مباحث مهم دیگر که در این کتاب مورد تأکید بیشتری نسبت به نوشته *زامل و بن‌جیلانی* قرار گرفته است، بحث انگیزش در رفتارهای اقتصادی در اسلام و به تبع آن عقلانیت اسلامی است: «یکی از گرایش‌های فطری انسان، گرایش به لذت و گریز از رنج و انگیزه همه فعالیت‌های او، بیشینه‌کردن لذت و کمینه‌کردن رنج است» (همان، ص ۴۳). در ادامه با توجه به دوبعدی بودن انسان (جسم و روح) و توجه به حیات ابدی چنین نتیجه می‌گیرد: «انگیزه همه رفتارهای انسان اسلامی، بیشینه‌کردن لذت‌های دنیایی و رنج‌های آخرتی و کمینه‌کردن رنج‌های دنیایی و لذت‌های آخرتی بر لذت‌ها و رنج‌های دنیایی است» (همان، ص ۴۴). هرچند نویسنده در همه مطالب کتاب و نمودارها و معادلات آن به این بیشینه‌سازی توجه دارد، اما در هیچ موضعی از کتاب خود به چگونگی تحقق آن و ارتباط آن با لزوم تفکر کلان در اقتصاد بحثی را مطرح نمی‌کند. وی در توضیح رفتار عقلایی انسان چنین می‌گوید: «رفتار عقلایی، رفتاری مشتمل بر گزینش سازگار و منطقی با در نظر گرفتن محدودیت‌ها و به هدف بیشینه‌کردن نفع شخصی است» (همان، ص ۶۳). با این بیان تنها نکته قابل اتکا برای لزوم تحلیل کلان اقتصاد اسلامی، بررسی عملکرد نظام اقتصاد اسلامی به عنوان یک کل است. درک کلیت این نظام هم به واسطه مباحث فلسفی اصالت فرد و جامعه نیست، بلکه با اتخاذ مبنای روش تفکر سیستمی است (میرمعزی، ۱۳۸۱، صص ۲۶ و ۲۷).

*اسلاملوئیان* (۱۳۹۹) در کتاب *اقتصاد کلان پیشرفته با رویکرد اسلامی* درباره روش بحث چنین می‌گوید: «دیدگاه نویسنده این است که فهم رویکردهای اسلامی به اقتصاد کلان بدون شناخت اقتصاد متعارف ممکن نیست؛ زیرا روش حاکم در میان اقتصاددانان مسلمان، اسلامی‌سازی نظریه‌های اقتصاد مرسوم است» (اسلاملوئیان، ۱۳۹۹، ص ۱). نویسنده ادعا می‌کند اقتصاددانان مسلمان در همه یا غالب آثار خود، روشی غیر از مراجعه به نظریات اقتصاد متعارف نداشته‌اند و آن نظریات اسلامی‌سازی شده است؛ نه اینکه بر اساس مبانی خاص روش‌شناختی، نظریه اسلامی ارائه شده باشد.

برخی دیگر از آثار همچون مقالات «عقلانیت در اقتصاد اسلامی» (دادگر و عزتی، ۱۳۸۲) یا «نقد و بررسی سیر تحول اندیشه انسان اقتصادی در اقتصاد متعارف» (علم‌الهدی و توکلی،

۱۳۹۴) به اصل بحث انسان‌شناختی اشاره کرده‌اند؛ اما به مقوله روش‌شناختی و لزوم اقتصاد کلان یا خرد اسلامی ورود نداشته‌اند.

## ب) پیشینه خارجی

کتاب النظرية الاقتصادية الاسلامية اتجاه تحليلي که توسط الزامل و بن‌جیلانی در سال ۱۴۱۷ق (۱۹۹۶م/۱۳۷۵ش) نوشته شد و توسط خلیلی تیرتاشی با عنوان اقتصاد کلان با نگرش اسلامی ترجمه گردید، نمی‌توان دلیل انتخاب الگوی کینزی را از جانب این نویسندگان بیان کرد و نکات ترجیحی آن بر نظریه کلان نئوکلاسیکی و حتی نئوکینزی را گفت. نویسندگان به یک دلیل به صورت ضمنی اشاره می‌کنند: «شباهت برخی اجزای نظری مدل نظریه‌پردازی کینزی با مبادی و مبانی اسلامی» (زامل و بن‌جیلانی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۰). ترجمه متن نوشته ایشان چنین است: «با فرض برابری بخش عمومی و دولتی و قبول بخش مصرف به عنوان یک بخش اساسی، تحلیل تعادل [در اقتصاد کلان اسلامی] - همانند الگوی کینزی - به سرمایه‌گذاری و پس‌انداز بخش خصوصی منحصر می‌گردد». در هیچ جای دیگر از این کتاب دلیل دیگری برای چرایی انتخاب مدل نظری کینزی و کلاً اقتصاد کلان بیان نشده است. ایشان پاسخ نمی‌دهند که چرا از مفاهیم مشترک میان نظام اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی این برداشت را کرده‌اند که می‌توانند عیناً مدل‌ها، روش‌ها و ابزارهای یکسانی را برای تحلیل اقتصاد اسلامی نیز به کار ببرند. دقیقاً همانند بسیاری از آثار دیگر اقتصاد اسلامی، این کتاب نیز از مفهوم عقلانیت سخن به میان می‌آورد: «نظر به اینکه اصل عقلانیت، روبنایی را که رفتار مصرفی در جامعه خاصی معین می‌کند، نشان می‌دهد، باید اصل عقلانیت اسلامی را تحلیل کنیم تا بتوانیم قواعدی را که نظریه رفتار مصرف‌کننده مسلمان بر آن بنا می‌شود را استخراج کنیم» (همان، ص ۴۳). خلاصه مطلب این است که رستگاری فقط یک مقوله مادی مانند لذت از مصرف نیست و لذا تأثیرات مصرف در آخرت را هم باید سنجید. البته این بدین معنا نیست که مالکیت خصوصی کلاً از بین می‌رود و مالکیت عمومی گسترده می‌شود و نقش درآمد در مصرف کاهش می‌یابد (همان، ص ۴۴). در نهایت این نوشته تبیینی درباره ارتباط عقلانیت و نفع اجتماعی مطرح نمی‌کند.

چودری (۲۰۰۶) در مقاله خود با عنوان «[آیا] اقتصاد کلان اسلامی [وجود دارد]؟» با طرح بحث اخلاقی تضاد نفع شخصی و جمعی و ورود به مباحث انسان‌شناختی، به نقد اقتصاد کلان متعارف می‌پردازد. وی از «تجمیع ترجیحات» به عنوان روش‌شناسی اقتصاد کلان متعارف نام می‌برد و بیان می‌کند که بنا به دلایل متعدد این تجمیع نمی‌تواند اهداف اخلاقی و اجتماعی مدنظر اقتصاددانان از جمله اسمیت و کینز را برآورده کند. وی در ابتدا به درون‌زانبودن ترجیحات در اقتصاد لیبرال اشاره می‌کند و به‌طور خاص پول، سیاست‌های دولتی و اخلاق خاص لیبرالی را عامل مهم برون‌زا می‌داند. چودری به دنبال این است در تحلیل اسلامی از طریق فرایند شورا برای نمونه در مبحث سیاست پولی، به ترجیح درون‌زا برسد. قبلاً چودری در مقاله «انتخاب اجتماعی در چارچوب اقتصاد اسلامی» (۱۹۹۱) در مورد فرایند شورایی و خصوصیات آن به‌طور مفصل بحث کرده است. وی بیان می‌کند که ساختار معرفت اقتصاد اسلامی از سطح معرفت‌شناسی تا چارچوب نظری به‌گونه‌ای است که نوعی رفتار خردی را ترویج می‌کند که به ناهماهنگی با اهداف اجتماعی در سطح اخلاقی و کارایی نمی‌انجامد. اساس استدلال چودری در این مقاله، رد روش‌شناسی اقتصادی در مرزبندی اقتصاد خرد و کلان است که اتفاقاً در آثار اقتصاد اسلامی موجود پذیرفته شده است. وی عدم امکان چنین دوگانگی را با طرح سه دیدگاه بیان می‌کند: هدایت اخلاقی (علم) بر فرض وحدت دانش، منبع حقوقی اسلام و نظام جهان‌شناختی که با تعامل و همگرایی پویای آن بر اساس وحدت دانش در چارچوب شریعت اسلام ایجاد شده است. این سه عامل منجر به پدید آمدن فرایند گفتمانی اولیه به عنوان فرایند مشارکت گسترده بین فرد، جامعه، نهاد و نظم کارکردی که همان فرایند شورایی است، می‌شود (Choudhury, 2006, p.160).

طبق جست‌وجوی نگارندگان تحقیق، اولین اثری که در ادبیات اسلامی به مسئله هماهنگی رفتار یا کنش فردی با خیر جمعی می‌پردازد، کتاب **اقتصادنا** و سپس برخی دیگر از آثار شهید صدر رحمته‌الله است. بعداً در این باره بحث می‌شود. شهید صدر رحمته‌الله آشکارا به نکات فراوانی در سطح روش‌شناسی می‌پردازد، ولی هنوز می‌توان با مطالعه دقیق آثار ایشان به لایه‌های پنهانی از این مباحث دست یافت؛ از جمله اثبات لزوم رویکرد کلان اسلامی بنا بر نظر ایشان. این مقاله درصدد اثبات این مطلب است.



## اقتصاد بازار آزاد و نفع شخصی در برابر نفع جمعی

اقتصاد بازار آزاد به معنی اقتصاد ملی شده‌ای که توده مردم بتوانند غیر از کار خود نیز، زمینه‌های رشد ثروت بلکه هر نوع قابلیت خود را به دست آورند، واکنشی در برابر اقتصاد مدیریت شده سنتی در مغرب زمین بود. پادشاهان غالباً اقتصاد ملی را مانند یک شرکت خصوصی اداره می‌کردند و همه عواید آن برای دربار و برخی تجار و اشراف بود و غالباً توده مردم سهم قابل توجهی جز امرارمعاش نداشتند. با پیدایش اقتصاد بازار آزاد، نفع طلبی مردم به صورت کامل به رسمیت شناخته شد. بلافاصله یک پرسش اخلاقی مطرح شد: آیا آزادگذاشتن مردم برای پیگیری منافع شخصی ایشان، نفع جمعی به معنای تولید و مصرف حداکثری و به تبع آن رفاه و در نهایت عدالت اجتماعی را به دنبال دارد؟ *آدام/اسمیت* در کتاب اخلاقی خود، با انتقاد از *ماندویل* در افسانه زنبورها به این سؤال به گونه‌ای پاسخ می‌دهد که مقدمه‌ای برای کتاب اقتصادی‌اش می‌گردد. *ماندویل* قائل است که انسان آزاد در بازار فقط به نفع شخصی می‌اندیشد و بر اساس آن رفتار می‌کند؛ از این رو هرچند ممکن است به خیر شخصی دست پیدا کند - ولو موقت - ولی هرگز از آن خیر عمومی (Common Good) بر نمی‌خیزد. وی این کار را خلاف اخلاق [تدبیری] می‌داند (Mandeville, 1724, p.2)؛ ولی *آدام/اسمیت* به عنوان فیلسوف اخلاق (Moral philosopher) به این قائل شد که می‌توان بدون تهذیب نفس (اخلاق تهذیبی) به جامعه خوب (اخلاق تدبیری) رسید؛ با این ضمیمه که این مبنا را به علم اجتماعی وارد کرده است. وی با کمک مفهوم دست نامرئی، خیر عمومی را از درون نفع طلبی شخصی توضیح می‌دهد. وی حجم عظیم و اجتماعی مبادلاتی که افراد جامعه را در کنار هم قرار داده و رفع نیاز، هماهنگی و همکاری اجتماعی را پدید آورده است، چنین توضیح می‌دهد: «این از خیرخواهی قصاب یا ... یا نانوا نیست که [مقدمات] شام ما را تدارک می‌کنند، بلکه [انگیزه] آنها [تحصیل] منافع شخصی‌شان است» (Smith, 2005, p.19). هرچند *آدام/اسمیت* یک دانشمند اخلاق با دغدغه اجتماعی است، اما ابزاری که برای هماهنگی اجتماع مناسب می‌بیند همین است که افراد به حال خود واگذاشته شوند و نفع طلبی شخصی و لوازم آن از جمله آزادی، رقابت، مالکیت خصوصی و سایر تغییرات نهادی و سیاسی به رسمیت شناخته شود. در واقع وی یک فردگرایی نهادی است (ایمان و غفاری‌نسب، ۱۳۹۱، ص ۷). *آدام/اسمیت* قوام اجتماعی را در همدردی و هماهنگی افراد می‌دید؛ ولی مدتی پس از

وی این اندیشه تقویت شد که حتی بدون همدردی و تعاون افراد نیز جامعه از هم نمی‌باشد؛ زیرا اساساً جامعه خود چیز مفیدی است (مینی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۰). به هر حال، خوانش اصلی از *آدم/اسمیت* این است که این خیر، به صورت سرتاسری از تولید و توزیع و مصرف، در کل اقتصاد رخ می‌دهد و اگر مباحث حاکمیتی نبود، هرگز به دولت که یادآور تدبیرگر اجتماعی است نیازی نبود. اقتصاددانان به تثبیت نفع شخصی در تحلیل اقتصادی پرداختند و کم‌کم مباحث خیر عمومی و اخلاق اجتماعی از علم اقتصاد حذف شد. این اقدام مقدمه‌ای بر رفتارگرایی در اقتصاد نیز شد. دیگر تحلیل‌کنش اقتصادی و مباحث روان‌شناختی اهمیت نداشت و از مفهومی به نام «انسان اقتصادی» رونمایی شد که با انباشت منفعت‌طلبی اسمیتی و لذت‌گرایی بنتامی، خود را با حساسگری و انتخاب معرفی می‌کرد (علم‌الهدی و توکلی، ۱۳۹۴، ص ۴۱). در اواخر قرن نوزدهم معلوم بود که دست نامرئی به دلیل بروز انحصار و آثار خارجی، نمی‌تواند همه خیر عمومی مورد ادعای اسمیت را فراهم کند و دولت تدبیرگر باید در توزیع مجدد، تأمین کالای عمومی و برون‌رفت از مسئله آثار خارجی مداخله کند تا منافع اجتماعی به صورت متوازن به همه افراد برسد. این مطلب نخستین کناره‌گیری از تحلیل رفتار انسان اقتصادی یا عقلانیت اقتصادی به سمت تحلیل رفتار دولت بود.

کینز در مقدمه اثر ویژه خود یعنی *نظریه عمومی، اشتغال، بهره و پول* و البته آثار دیگر، علاوه بر انتقاد به مبانی نئوکلاسیک، به سراغ مبانی کلاسیک هم می‌رود. وی به صراحت از دست نامرئی و قانون سی به عنوان قاعده اقتصاد کلان کلاسیک‌ها انتقاد و آنها را رد می‌کند (دست نامرئی شکسته است)؛ همان‌طور که به برابری‌های نئوکلاسیکی در بازار کار ایراد دارد (آربلاستر، ۱۳۷۷، ص ۴۵۲). مشاهده وی این بود که نفع‌طلبی بیش‌ازاندازه اتحادیه‌های کارگری و ترس یا خطرناپذیری گروه سرمایه‌داران نسبت به آینده اقتصادی از عوامل اصلی شرایط بحرانی اقتصاد در دهه ۱۹۳۰ یعنی کاهش مصرف کل و سرمایه‌گذاری کل است. با این دیدگاه نظریه سی ناکارآمد معرفی شد و تحلیل‌های خرد فقط برای حالت‌های محدود تعادلی یا نزدیک به تعادل مفید تلقی گردید. کینز بنیان تحلیل متغیرهای کلان از قبیل تولید کل، مصرف کل، سرمایه‌گذاری کل و نرخ‌های کلان مربوط به آنها مثل تغییرات سطح عمومی قیمت‌های کل (نرخ تورم) و غیره را برگزید. در نتیجه دوباره جنبه‌های اخلاقی اقتصاد زنده شد و دوباره تحلیل کارگر و کارفرما جانشین انسان اقتصادی شد (O'Donnell, 1989).

p.158). دیگر عنان اقتصاد در دست اراده‌های آزاد نبود، بلکه دولت‌ها با دخالت در تقاضا، چشم‌انداز مناسب‌تری را برای سرمایه‌گذار تدارک می‌کردند. ربح مرکب، نرخ‌های بالای بهره و میل زیاد به پس‌انداز در نظر کینز از عوامل اصلی رکود و بیکاری و بیچارگی قشر کارگر بود و برای درمان آن تا حدودی بایست دوباره اندیشه‌های مذهبی و غیرمذهبی مبارزه با بهره تقویت می‌شد: «من به خودمان این حق را می‌دهم ... که به برخی مطمئن‌ترین و یقینی‌ترین اصول مذهب و فضیلت سنتی‌مان بازگردیم - اینکه حرص و آز نوعی رذیلت‌اند، اینکه گرفتن ربا نوعی خلاف‌کاری است و عشق به پول مذموم است، اینکه کسانی حقیقتاً در مسیر حکمت و فضیلت گام برمی‌دارند که کمتر از همه به فکر فردایند. ما بار دیگر برای غایات بیش از وسایل ارزش قائل خواهیم بود و امر خوب را بر امر مفید ترجیح خواهیم داد» (مولر، ۱۴۰۰، ص ۵۷۱).

بار دیگر به این نکته توجه می‌دهیم که کینز همانند همه طرفداران آزادی به گسترش مالکیت خصوصی و کاهش مداخلات عمومی در اراده‌های فردی قائل است؛ اما هدف مهم وی گسترش این نظام است و اراده‌های فردی را به‌تنهایی برای این مطلوب، کافی نمی‌داند.

### تحلیل روش‌شناختی نقش مبانی خردی در اقتصاد خرد و کلان

مباحث فلسفی و اخلاقی، صرفاً در همین سطح باقی نماند و توسط ارائه‌کنندگان خود یا نفرات بعدی به لایه روش‌شناختی و تولید علم منتهی شد.<sup>\*</sup> تبیین اخلاقی از آزادی به عنوان تأمین‌کننده مصالح همه انسان‌ها و عقلانیت به مثابه چراغ راه بشریت در کنار پیروی از روش‌شناسی طبیعت‌گرایانه در طول زمان و با لحاظ تحولات، امکان تحقق اقتصاد خرد نئوکلاسیکی و تحلیل سراسری والراسی در بازار را فراهم آورد. در سطح کلان، پشتوانه اصلی این اقتصاد، نظریه سی بود. اقتصاد خرد، با قاعده‌مندسازی و صورت‌گرایی شدیدی در حوزه علم همراه بود و با توضیحات مکانیکی، تک‌تک رفتار عوامل اقتصادی در بازار را

\*. برای مثال جان لاک در قرن هفدهم به زیبایی موضع طبیعت‌گرایانه را در کتاب ملاحظاتی درباره تنزل بهره و افزایش ارزش پول به کار بست و حیث روشی طبیعت‌گرایی را در قالب یک نمونه نشان داد یا دالی نورث در قرن هفدهم، قیاس‌گرایی را به صورت عملی در تحلیل‌های اقتصادی در کتاب گفتاری در باب تجارت ارائه کرد (آنیکین، ۱۳۵۸، ص ۱۶۵-۱۶۶)؛ دقیقاً همان نکته‌ای که در ادبیات اقتصاد اسلامی مطلوب است؛ یعنی حرکت از سطح مبانی به سطح نظریه‌پردازی.

تبیین و پیش‌بینی می‌کرد و در نهایت از برون‌داد نهایی ولو در بلندمدت مطمئن بود. انسان‌های حسابگر با حداکثرسازی منافع خود، روی خط رشد و تعالی اقتصادی قرار داشتند و این چشم‌اندازی غیر از رشد کل اقتصاد به دنبال نداشت؛ از این رو همه تحلیل‌ها به صورت خرد بیان می‌شد و لزومی به تحلیل کلان نبود. از جمله تعابیر محدود کلان در آن عصر، نظریه مقداری پول از فیشر بود که در واقع تقاضای کل نئوکلاسیکی را مطرح می‌کرد. این تفکر مبنایی در عرصه فرهنگی و اجتماعی نیز از عوامل اصلی رشد سریع اقتصادهای اروپایی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بود. نفع از یک مفهوم ذهنی به واقعیت عینی رشد اقتصادی تبدیل شد. اگر رشد اقتصادی محقق شود حتی اگر احساس نفع، سود و رفاه محقق نشود، نفع طلبی نئوکلاسیکی رخ داده است. در این دیدگاه، تحلیل اقتصادی یعنی بهره‌مندی از مبنای خردی یا به عبارتی منتهی شدن همه چیز به تحلیل جزء به جزء بازار. با اینکه علم اقتصاد درباره اقتصاد جامعه سخن می‌گوید، ولی باید از مسیر مبانی خردی بگذرد تا معتبر و روا باشد. جداسازی علم از اخلاق نیز به تقویت این دیدگاه در سطح علمی کمک زیادی کرد و Science از Moral Science\* در اندیشه بسیاری از اقتصاددانان متفاوت گشت.

روی دیگر سکه، اقتصاد کلان‌گینز است. هرچند کینز از طرفداران آزادی است و نفع‌طلبی را تأیید می‌کند،\*\* اما در تحلیل اقتصادی آن را کافی نمی‌داند. کینز بر نادیده گرفتن واقعیت مهمی به نام اراده انسانی، روحیه حیوانی و مسائل روان‌شناختی او، ترس و امید و کلاً انتظارات و نقش آن در انتخاب‌ها و تفکرها مطابق با منطق انسانی نه منطق ریاضی یا آماری، توجه به زمان و محدودیت آن برای بشر و در کل به جمادانگاری بشر انتقاد کرده است. در اینجا دیگر قوانین اخلاقی کارکرد دارند نه قوانین طبیعی (Carabelli, 1988, p.100). همه مطالب فوق منجر می‌شود مشکلاتی از قبیل کارایی اقتصادی و خروج از تعادل، عدالت اجتماعی و کاهش آزادی‌های فردی به صورت ترکیبی پیش بیاید (اسنودان و وین، ۱۳۹۲،

\*. تعبیر Moral Science در عبارت جان مینارد کینز مطرح شده است و تعبیر پرکاربردتر و معهودتر آن Moral

Philosophy است که در کلمات اکثریت کلاسیک‌ها از جمله دیوید هیوم و آدام اسمیت آمده است.

\*\* وی به صراحت بیان می‌کند که «شرارت‌های خطرناک انسان [در اجتماع] را می‌توان به گونه‌ای سودمند به کار نسبتاً بی‌ضرر پول درآوردن تبدیل کرد» (کینز، ۱۳۴۸، ص ۴۳۸). کینز به صراحت خود را از بهره‌مندی از مبنای مهم نئوکلاسیکی مطلوبیت و سودمندی در این عبارت بی‌نیاز کرده است.

ص ۱۷). در این شرایط مردم از برخی کارها که باید انجام شود یا از بابت عدم تمایل یا عدم توانایی روی گردان می‌شوند\* و این «باید» پای شخصیت دیگری را به میدان باز می‌کند که «دولت» نام دارد؛ از این رو کینز دوباره علم اخلاقی را زنده می‌کند (O'Donnell, 1989, Chapter 8) و تحلیل خردی مبتنی بر نفع فردی و «بازاری دیدن» همه فعل و انفعالات را صرفاً در یک حالت از بی‌شمار حالت ممکن در واقعیت اقتصادی به رسمیت می‌شناسد که عبارت است از حالتی که اقتصاد در تعادل قرار دارد (پسران و لائسون، ۱۳۷۶، ص ۲۰۰). این مطالب بدین معنا نیست که کینز متوجه مبنای خردی نبود، بلکه وی پیچیدگی را به اقتصاد بازگرداند و سادگی مدل‌های نئوکلاسیکی را شکست. برای وی نیز مسلم بود که در نهایت هر تحرکی در جامعه رخ بدهد توسط «فرد فرد» جامعه محقق می‌شود؛ ولی تفاوت دیدگاه او این بود که به تجمیع‌های ساده دل‌خوش نبود و برای فرار از اشکالات آن، تحلیل کلان را مطرح کرد. تحلیل مبانی خردی کینز در همه مکاتب اقتصاد کلان مورد توجه بوده است؛ برای مثال میل به مصرف کینز در تابع مصرف بعداً توسط فریدمن در تابع مصرف مبتنی بر درآمد دائمی مورد انتقاد قرار گرفت؛ ولی هنوز محققان بسیاری به دنبال ترمیم این نقایص در نظریه کینز هستند. مبنای خردی برای ایشان از این جهت اهمیت دارد که مؤید بلکه دلیل متینی بر مدل‌های کلان باشد و بتواند زوایای پنهان نظریه اقتصاد کلان را آشکارتر کند؛ فارغ از اینکه هر تحلیل جمعی نیاز به مبنای خردی داشته باشد یا نه.\*\*

### اقتصاد اسلامی و نفع شخصی و جمعی در اندیشه شهید صدر علیه السلام

شهید صدر علیه السلام جزء معدود اقتصاددانان، بلکه تنها اقتصاددانی است که به مبنای مهم هماهنگی میان نفع فردی و جمعی پرداخته است. نکته بسیار مهم این است که وی این مبنا را نه در

\*. مشابه این ادبیات در فقه اسلامی با مفهوم امور حسبه وجود دارد.

\*\* در این میان مکتب اتریش قائل به بی‌معنابودن اقتصاد کلان و تحلیل‌های جمعی است و تنها کاربر آن را دولت‌ها معرفی می‌کند که به دنبال اقناع مردم هستند. دغدغه ایشان اصولاً مبنای هماهنگی منافع فردی و جمعی نیست و شعار «بگذار بشود» را از این جهت سر می‌دهند که قائل اند افراد دائماً در مسیر اصلاح گذشته و نشانه‌گیری پیشرفت هستند (Dow, 1998, p.88). دقیقاً در برابر این دیدگاه، مارکسیسم وجود دارد که تنها، نگرش کلان را دنبال می‌کند.

دستگاه فکر متعارف غربی، بلکه به قول خودش در دستگاه فکر اسلامی به کار برده و زمین نظریه پردازی را به خوبی تغییر داده است.\* نکته مهم تر این است که شهید صدر علیه السلام این مبنا را در راستای حل مسئله مدنظر خودش که همانا فروپاشی نظام اجتماعی کشورهای اسلامی در قبال هجمه فکری - فرهنگی تجددگرایی (Modernism) یا منتقدین آن از جمله مارکسیسم، استفاده کرده است (الصدر، ۱۴۲۴ق، ص ۹/ همو، ۱۴۲۱ب، ص ۱۵). دقت در این نکته مهم است که ایشان این دغدغه را در قالب مسئله بشریت از جمله انسان و جامعه اسلامی مطرح می کنند.

شهید صدر علیه السلام در آثار متعدد خود به تضاد میان منافع شخصی و جمعی در جوامع اقتصاد آزاد اشاره می کند و سپس از قول مارکسیسم، آینده فروپاشی لیبرالیسم را نقل می کند؛ ولی خودش نخست ادعای مارکسیسم را رد می کند و تلویحاً به فروپاشی نظام مارکسیسم در جهان زودتر از لیبرالیسم خبر می دهد (رک به: الصدر، ۱۴۲۱ج، ص ۱۶۲). فعلاً توضیح این مطالب مورد غرض این مقاله نیست.

در ادامه شهید از این مطلب بحث می کند که لیبرالیسم و مارکسیسم نمی توانند این تضاد منافع را حل کنند (الصدر، ۱۴۲۴ق، ص ۳۵۲-۳۵۵)؛ هرچند از زمان *آدم اسمیت* تا حال بسیاری از محققان در رفع این تضاد بحث کرده اند.\*\* البته توجه به این نکته نیز لازم است که بحث شهید صدر علیه السلام ادراک چستی نفع جمعی یا تضاد آن با نفع فردی و جمعی نیست که برخی بیشتر بر این تکیه دارند و وظیفه ادیان را در اینجا متمرکز می بینند؛ بلکه مسئله شهید عبور از این تضاد و حل آن است (همان، ص ۳۵۰).

ایشان در مرحله آخر بیان می کند که اساساً میان منافع فردی و جمعی در اقتصاد اسلامی تضادی وجود ندارد. توضیح مطلب اخیر در ادامه ارائه می شود:

ایشان با دقت و زیبایی بیان می کند که هماهنگی یا ناهماهنگی میان برون داد رفتار یا کنش فردی و برون داد جمعی، مسئله مذهب است و بیانی از یک حقیقت بشری که به هدف کامیابی

\*. شهید صدر علیه السلام به خصوص در ابتدای کتاب *المدرسة الاسلامیة* (الصدر، ۱۴۲۱ب، ص ۹) به این مفهوم توجه می دهد.

\*\* برای بحث مختصر رک به: (Dow, 1998, p.85). این قسمت هم مورد توجه این مقاله نیست؛ ولی بحثی

بسیار مهم در اقتصاد سیاسی، بحث مالکیت خصوصی و در علم اقتصاد در بحث تعادل اقتصادی دارد.

بشریت طرح شده است و علم ابزاری برای کشف آن حقیقت و حرکت به سمت آن و «علم تنها می‌تواند تا حدودی از حقیقت پرده بردارد؛ اما نمی‌تواند آن را دگرگون سازد» (همان، ص ۳۷۰). شهید صدر علیه السلام انگیزه همه فعالیت‌های اقتصادی بلکه اجتماعی انسان را به‌گونه‌ای بیان می‌کند که فطرت نفع‌طلب، زیبایی‌خواه و کمال‌جوی وی را نیز ارضا نماید. به عقیده وی اسلام با آگاهی‌بخشی به جامعه اسلامی و تغییر لایه فرهنگی، جایگاه منافع شخصی را از دنیای مادی به آخرت تغییر می‌دهد؛ اما جایگاه منافع جمعی را در همین دنیا تثبیت می‌کند. لاجرم انسان موجودی نفع‌طلب و خودخواه است - مگر افرادی که به مقام فنا فی‌الله رسیده باشند که مسلماً اکثریت انسان‌ها در این حد از تهذیب نیستند - اسلام به انسان می‌آموزد که ارضای این میل در دنیا به صورت ناقص و موقت صورت می‌گیرد و اساساً این قابلیت را دارد که پیگیری دنیایی آن منجر به تخریب همین دنیا شود. از نظر اسلام راه صحیح این است که فضای خاصی برای ارضای این میل فراهم شود که آفات نقص، زوال و تخریب را نداشته باشد. اسلام به درستی سرای سعادت آخرت را معرفی می‌کند؛ اما راه رسیدن به این سعادت و کمال را تأمین منافع جمعی دنیوی می‌داند (الصدر، ۱۴۲۴ق، ص ۳۵۵)؛ به این بیان که افراد باید نفقات واجب و مستحب خود را بپردازند، در آبادانی دنیا تلاش کنند و در یک کلمه عدالت در توزیع و اهتمام در تولید\* را به‌جا آورند. با این توصیفات، فردگرایی در فکر اسلامی جایی ندارد و آزادی در چارچوب محدودتری معرفی می‌شود و مالکیت خصوصی نه از باب گسترش نفع شخصی بلکه از جهت جانشینی فرد از جامعه در حفظ منافع جمعی توسعه می‌یابد؛ به این معنا که اگر افراد بتوانند دنیا را آباد کنند و حقوق جامعه را ادا نمایند، مالکیت آنها به رسمیت شناخته می‌شود\*\* (الصدر، ۱۴۲۱ الف، ص ۳۷).\*\*\* به عبارت روشن‌تر، اسلام مالکیت را نه یک سلطه بی‌چون‌وچرا بلکه یک نوع حق سرپرستی مسئولیت‌آور می‌

\*. البته شهید صدر علیه السلام در اقتصادنا (الصدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۱۹) از ارتباط تولید و عدالت نیز بحث می‌کنند.

\*\* شهید صدر علیه السلام در بحث توزیع قبل از تولید در موضوع زمین و منابع آن، به‌خوبی به این مبنا می‌پردازد.

\*\*\* شهید صدر علیه السلام در اینجا برای بحث مالکیت از مبنای استخلاف استفاده کرده است. رک به: (همان،

ص ۳۵) و برای بحث مبنایی رک به (الصدر، ۱۴۲۱ ج، ص ۱۰۵). پیگیری این بحث و بیان ارتباط آن با

نفع فردی و جمعی، مقاله جداگانه‌ای را می‌طلبد و بسیار مناسب است که مبنای ایشان را با اعتباریات

علامه طباطبایی علیه السلام مقایسه کرد.

نگرد (همان، ص ۳۴۱). با این بیان مقولات ارزش، مبادله، بازار و تعادل تغییر می‌کند و کیفیت اقتصاد اسلامی در نحوه تولید و توزیع متحول می‌شود.\*

با توجه به توصیفات فوق حداکثرسازی نفع فردی اخروی از مسیر حداکثرسازی نفع جمعی دنیوی، مهم‌ترین انگیزه افراد مسلمان در کنش اقتصادی است. دقت در این نکته لازم است که این خُلق در اکثریت افراد جامعه اسلامی وجود دارد و الا آن جامعه، اسلامی محسوب نمی‌شود؛ از این رو اگرچه ممکن است همه افراد جامعه به این درجه از تهذیب نرسند، اما زمانی می‌توان یک جامعه را اسلامی دانست که اکثریت افراد آن چنین تربیتی داشته باشند.\*\* به عبارت دیگر در فکر اسلامی، کمال جامعه به رسیدن به این تربیت وابسته است.\*\*\* پس این کنشگری نیازمند آگاهی از وضعیت منافع جمعی دنیوی است.

### رهیافت روش‌شناختی در اندیشه شهید صدر علیه السلام

دقت در این نکته ضروری است که مجموعه مباحث شهید صدر علیه السلام در اقتصادنا و کتاب‌های دیگر ایشان درباره رودرویی نظام‌های سه‌گانه مارکسیستی - لیبرالیستی - اسلامی است و اساساً ایشان در عرصه علم اقتصاد ورودی ندارند؛ مگر به حدی که برای توضیح و تطبیق مذهب اقتصادی مارکسیسم یا لیبرال - سرمایه‌داری - دموکراسی لازم باشد. ترکیبی از مباحث مبنایی اقتصاد - سیاست - حقوق در این مرحله از نوشته‌های شهید صدر علیه السلام مطرح شده است؛ از این رو این مقاله به دنبال رهیافتی از مرحله تحلیلی مذهب و نظام اقتصاد اسلامی به مرحله علم اقتصاد در آثار شهید صدر علیه السلام است.

تا اینجا مشخص شد که ادراک نفع جمعی نه‌تنها برای دولت اسلامی\*\*\* بلکه برای فرد مسلمان نیز دارای اهمیت است و از مبادی کنشگری وی در جامعه اسلامی محسوب می‌شود.

\*. مثلاً برای بحث از تعادل در اقتصاد اسلامی در اندیشه شهید صدر ر.ک به: (کرمی اسفند و بحرینی یزدی، ۱۴۰۰).

\*\* این بحث بسیار بااهمیتی است و در نقطه مقابل آرای/سمیت قرار دارد که نفوس اکثر انسان‌ها را غیرمذهب می‌داند که به صورت ناامیدی از تهذیب یا عدم لزوم تهذیب قائل به کارکرد دست نامرئی در بین این انسان غیرمذهب نفع‌طلب در این دنیا می‌شود؛ ر.ک به: (Smith, 1976, p.9).

\*\*\* به‌خوبی می‌توان رهیافت‌های فرهنگی و دینی را در (الصدر، ۱۴۲۴ق، ص ۳۵۵) مشاهده کرد.

\*\*\* شهید صدر علیه السلام در خلال آثار خود به‌طور کوتاه ولی منسجم به جنبه اخلاقی اقتصاد اسلامی و نقش



شهید صدر علیه السلام در جای جای آثار خود به دو نکته مهم در تحلیل داده‌های جمعی اشاره می‌کند: نخست اینکه هر فرد در جامعه اسلامی نسبت به ارتقای متغیرهای جمعی خاص از قبیل تولید کل، مصرف کل و سرمایه‌گذاری کل مسئولیت دارد؛\* دوم اینکه هر فرد در چنین جامعه‌ای به بهانه نفع شخصی حق تضعیف و اضرار به چنین متغیرهایی ندارد.\*\* فرض بر این است که بازارهای اسلامی در حال فعالیت می‌باشند و دولت اسلامی نیز به وظایف اقتصادی خود عمل می‌کند. در چنین وضعیتی رعایت نکردن هر کدام از دو مورد فوق به کفران در جامعه اسلامی منتهی می‌شود. همان‌طور که ارتباط نهاد پول اسلامی و مجموعه فعالیت‌های حقیقی اقتصادی از ارکان دیگر تحلیل کلان اسلامی است. تحریم مواردی از جمله اسراف کالاها و خدمات یا کنز پول در راستای نفع‌طلبی و خودمحموری و به عبارتی رعایت حقوق عامه است. دقت در این نکته لازم است که همه موارد فوق می‌تواند تحلیل خردی نیز داشته باشد؛ اما مطابق با نوشته فوق ادعا بر این است که جنبه کلان نیز مورد توجه قرار دارد.

همین‌جا لازم است استدلال چودری در رد اقتصاد کلان اسلامی مورد توجه قرار گیرد.\*\*\* وی در مقاله «اقتصاد کلان اسلامی؟» (۲۰۰۶) که تلخیص و تجمیعی از نظرات چودری است، به مسئله هماهنگی رفتارهای فردی با اهداف اجتماعی می‌پردازد. چودری در مقاله خود به

---

دولت و در نتیجه اهمیت تحلیل‌های کلان اشاره دارند (الصدر، ۱۴۲۴ق، ص ۳۳۲).

\* شهید صدر علیه السلام در برخی آثار خود از جمله اقتصادنا (الصدر، ۱۴۲۴ق، ص ۳۸۰) ذیل بحث از آیات ۳۲ تا ۳۴ سوره مبارکه ابراهیم علیه السلام در توضیح ظلم و کفران انسان در این دنیا و الاسلام بقود الحیاة (الصدر، ۱۴۲۱ق، ص ۸۳-۱۰۸) ذیل بحث از روابط تولید - توزیع - مصرف - مبادله به اهمیت برخی نگرش‌های کلان برای فرد مسلمان اشاره می‌کند. باید دقت کرد که در کلام ایشان جنبه‌های تحلیل خردی و کلان وجود دارد و تفکیک آنها ضروری است.

\*\* غالباً این بحث ذیل داستان ثمره بن جندب و برخورد نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم با او مطرح شده است؛ مثلاً در اقتصادنا (الصدر، ۱۴۲۴ق، ص ۷۱۲) ذیل عنوان «التحدید من سيطرة المالك على الانتفاع» که به بحث این مقاله کاملاً مرتبط است.

\*\*\* کل این مطالب از فصل چهارم رساله دکتری با عنوان «تبیین روش شناسانه علم اقتصاد کلان اسلامی در آثار موجود در مقایسه با علم اقتصاد کلان متعارف» (۱۴۰۰) اثر حسین بحرینی یزدی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه برداشت شده است.

نقد اقتصاد کلان متعارف می‌پردازد و از «تجمیع ترجیحات» (Preferences Aggregation) به عنوان روش‌شناسی اقتصاد کلان متعارف نام می‌برد و بیان می‌کند که بنا به دلایل متعدد این تجمیع نمی‌تواند اهداف اخلاقی و اجتماعی مدنظر اقتصاددانان از جمله/سمیت و کینز را برآورده کند. وی در ابتدا به درون‌زا نبودن ترجیحات در اقتصاد لیبرال اشاره می‌کند و به‌طور خاص پول، سیاست‌های دولتی و اخلاق خاص لیبرالی را عامل مهم برون‌زا می‌داند. سپس چودری به دنبال این است که از طریق فرایند شورا برای نمونه در مبحث سیاست پولی، به ترجیح درون‌زا در اقتصاد اسلامی برسد. بر اساس بیان چودری، فرایند شورایی بر اساس دانش وحیانی به دست آمده است نه بر اساس خرد انسانی؛ در نتیجه هماهنگی میان روابط فردی و اجتماعی در آن لحاظ شده است. وی برای تبیین این ادعای خود به این آیه استدلال می‌کند: «هفت آسمان و زمین و هر که در آنهاست همه به ستایش و تنزیه خداوند مشغول‌اند و موجودی نیست در عالم جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست؛ ولیکن شما تسبیح آنها را فهم نمی‌کنید. همانا او بسیار بردبار و آمرزنده است» (اسراء: ۴۰). نحوه استدلال نوعی قیاس است؛ به این معنا که خداوند نظام خلقت و طبیعت را آن‌قدر دقیق و منظم آفریده است که بسیاری از ظرافت‌های آن از دید تجربی شما تا ابد مخفی است و کاری از مشاهده و آزمون بر نمی‌آید. همین‌طور در نظام اجتماعی نیز به امر خداوند قواعد و ارتباطاتی است که وی بهتر از همه می‌داند. این نظام یکتای معرفت اقتضا دارد که خداوند متعال در تدبیر اجتماع مداخله داشته باشد. راهکار خداوند برای هماهنگی رفتارهای اجتماعی عبارت است از شورا (Ibid, p.173). در ادامه وی دیدگاه سیاستی در مورد استفاده از یک مدل کلان اخلاقی - اقتصادی با ترجیحات پویا و تجمیع مربوط به روش‌شناسی فرایند شورایی در مورد پول ارائه می‌دهد (Ibid, p.180). چودری اصل ایده و نظریه اقتصاد خرد را در حدود دو صفحه به صورت کلی بیان می‌کند (Ibid, pp.180-183). منظور وی از فرایند شورایی - در نهاد پول - این است که همه مشارکت‌کنندگان به صورت دوطرفه با یکدیگر در تعامل‌اند و هیچ رابطه طولی میان آنها نیست؛ درحالی‌که در اقتصاد متعارف در زمینه پولی نوعی رابطه یک‌طرفه میان بانک مرکزی، بانک تجاری و متقاضی پول برقرار است که عبارت است از حرکت بهره پول از سمت متقاضی به بانک تجاری سپس از طریق سازوکار نرخ تنزیل به سمت بانک مرکزی. در تمام این فرایند، انگیزه بانک مرکزی، حفظ نفع اجتماعی و انگیزه

بانک و مشتری، ارتقای نفع شخصی است؛ نوعی گسست انگیزه‌ها؛ اما در رابطه شورایی که چودری تعریف می‌کند، بانک تجاری اسلامی صرفاً یک واسطه میان بانک مرکزی و مشتریان است که به کارمزد خود از دو طرف اکتفا می‌کند و خلق پول و سفته‌بازی با اسناد اعتباری رخ نمی‌دهد ... با این بیان، یک روند تحول اسلامی به وجود می‌آید. چنین تحولی مستلزم اتخاذ یک روش پویای تغییر و ایجاد تنوع در ریسک و تولید با استفاده از ابزارهای مالی اسلامی است که حول سازوکارهای مشارکتی می‌چرخد؛ فرایند همکاری و پاسخ متقابل بانک مرکزی، بانک اسلامی و متقاضی سرمایه. این فرایند شورایی است که به تدریج به سطوح وسیع‌تری از انواع مشابه فرایندهای شورایی در همه نظام جهانی اسلام پیوند می‌خورد (Ibid, pp.180-183). در نقد کلام چودری می‌توان گفت:

۱. هرچند چودری از مباحث مطرح در سطح فلسفه علم از قبیل نظام وحدت معرفت و در ادامه آن کنش شورایی سخن می‌گوید، اما در نهایت به همان مسئله اقتصادی و پاسخ‌کنیز می‌رسد که عبارت است از ترجیح دادن مخارج و سیاست مالی انبساطی بر پس‌انداز و سیاست پولی انقباضی. به عبارت روشن‌تر هرچند چودری به تحولات مکتبی و چارچوب نظری و اسلامی‌سازی علوم انسانی دست نزده است، اما عین همین کار را در سطح بالاتر در مبانی پارادایمی تکرار کرده است. وی با اینکه مبنای شورا را بر اساس وحدت دانش و حیاتی مطرح کرده، نتوانسته است مسئله خود را تبیین کند و به تکرار مسئله‌کنیز رسیده است. منظور این نیست که حتماً مسئله دو اندیشمند یا دو رویکرد علمی باید متفاوت باشد، اما هنگامی که از دو مبنا و با دو روش به سمت مطالعات اجتماعی حرکت می‌شود، باید سیر بحث به روشنی بیان شود که چگونه یک مشکل اجتماعی در هر دو دستگاه فکری به یک مسئله تبدیل می‌شود. اساساً چودری توضیح نمی‌دهد که وقتی جامعه اسلامی تشکیل می‌شود و روابط اقتصادی آن مطابق با همان الگویی که وی مطرح می‌کند، شکل می‌گیرد، چرا باید هزینه و مخارج، دالانی برای مطالعه قرار گیرد. آیا اقتصاد اسلامی هم با مسئله رکود و کاهش مخارج مواجه می‌شود؟ از ظاهر کلام چودری چنین برمی‌آید که چون اقتصاد اسلامی از الگوی شورایی استفاده می‌کند و نظام پولی مبتنی بر نرخ ذخیره صد درصدی دارد، اساساً با مشکلی به نام کمبود مخارج و تخصیص غیربهبینه منابع و در نتیجه رکود روبه‌رو نمی‌شود و در نتیجه فاقد مسئله علمی است.

۲. وی به طور دقیق روشن نمی‌کند که منظور از ترجیحات فردی و تجمیع آنها در قالب نفع جمعی چیست. \*\* ظاهر کلام چودری در این مقاله این است که این مفاهیم با ادبیات اقتصاد آزاد متعارف، همراه است؛ همچنین در اندیشه وی، اخلاقی بودن اقتصاد باید به همان معنایی باشد که /سمیت یا کینز مطرح می‌کنند؛ اما توضیحات چودری در مورد اخلاقی شدن اقتصاد بیش از این به دست نمی‌دهد که چون در مبنای اقتصاد و مکتب، از قواعد شرعی استفاده می‌شود، اقتصاد اسلامی اخلاقی یعنی مطابق با شرع است. منظور وی این نیست که بر جنبه تدبیری و عملی اقتصاد اسلامی و پیگیری رفتارهای عقلایی فردی برای رسیدن به خیر عمومی تأکید کند و منتهی گردد. به عبارتی نوعی درهم‌ریختگی در تبیین چودری در مقایسه با اقتصاد متعارف دیده می‌شود.

۳. در مدل چودری از بانک مرکزی، بدون قید اسلامی نام برده می‌شود؛ در حالی که از بانک تجاری با عنوان اسلامی تعبیر می‌گردد. چودری اصرار دارد که نشان دهد میان بانک مرکزی و بانک تجاری و مشتری، رفتار مطابق با شرع در جریان است و این به مثابه رفتار طبیعی فرد عقلایی است. چودری از ترجیحات فرد مسلمان نام می‌برد، اما آن را به‌طور قدرتمندی به نهاد پول با قیود شرعی گره می‌زند. وی توضیح نمی‌دهد که نسبت اهمیت دادن به ترجیحات از یک طرف و تقویت نهادی از طرف دیگر دقیقاً چیست. با گذر از این نکته وی در ادامه به لزوم تعلیم بانکها و مسئولان آن برای تعامل شورایی اشاره می‌کند (Ibid, p.182). با این بیان مشخص شد که چودری نتوانسته مطابق با مبنای هماهنگی یا عدم هماهنگی نفع فردی و جمعی به هدف انکار اقتصاد کلان اسلامی برسد.

## کارکرد رویکرد کلان اسلامی

سؤال مهم دیگر در این تحقیق این است که بالاخره، کارکرد رویکرد کلان در اقتصاد اسلامی چیست؟ آیا اقتصاد اسلامی همانند اقتصاد لیبرال سرمایه‌داری به مسئله کمبود تقاضای مؤثر

\*\* برخی مانند مندر تحف در برخی نوشته‌های خود به بیان موفقیت فردی - به جای نفع فردی - اشاره می‌کند و آن را چنین معنا می‌سازد: مفهوم موفقیت عبارت است از هماهنگی رفتار با ارزش‌های اخلاقی. ر.ک به: (جمعی از اقتصاددانان مسلمان، ۱۳۷۶، ص ۱۱۹). درعین حال وی و بسیاری از اقتصاددانان مسلمان به صراحت به مفهوم معادل نفع فردی و نفع جمعی و چگونگی ارتباط آنها نپرداخته‌اند (همان).

و رکود مبتلا می‌شود یا تورم افسارگسیخته دارد یا در سمت عرضه دچار مشکل می‌شود و اقتصاد کلان به تحلیل آنها می‌پردازد چون تعادل سراسری دچار مشکل می‌شود؟ بر اساس مبنای شهید صدر علیه السلام نمی‌توان به این نحو به این سؤال پاسخ داد؛ زیرا مسائل علم اقتصاد وقتی بروز می‌کند که جامعه اسلامی با همه نهادها و رفتارهای اسلامی شکل گرفته باشد، در سطح فرهنگی اعتقادات، مفاهیم و عواطف آنچه مدنظر اسلام است محقق شده باشد (الصدر، ۱۴۲۴ق، ص ۳۳۸). ایشان تبیین علمی را بر دو پایه می‌داند: نخست گردآوری مشاهدات از زندگی تجربی جامعه اسلامی - که هنوز محقق نشده است - و دوم آغاز پژوهش علمی از فرضیه‌های مسلم از جمله همین مبنای هماهنگی نفع فردی اخروی با نفع جمعی دنیوی (همان، ص ۳۶۳). در نتیجه هنوز برای محققان اقتصاد اسلامی مشخص نیست که با فرض تحقق نظام اقتصاد اسلامی بحران‌های اقتصادی به وجود نیاید؛ ولی بحث تحقیق حاضر از این جهت به اقتصاد کلان نمی‌نگرد؛ بلکه از این منظر می‌نگرد که آیا تحلیل کلان می‌تواند انگیزه انسان مسلمان را تحریک کند یا نه.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مبنای هماهنگی میان نفع شخصی و منافع جمعی در رفتارها و کنش اقتصادی از مهم‌ترین مباحث و مقدمه‌ای برای اقتصاد کلان و به‌کارگیری مبانی خردی است. شهید صدر علیه السلام از معبود بلکه تنها اندیشمند اقتصاد اسلامی است که به این موضوع توجه کرده است. وی به این نتیجه منتهی می‌شود که اسلام زمین بحث نظری را از نفع فردی مادی - دنیوی به نفع فردی اخروی منتقل می‌کند و راه حصول آن را تأمین منافع جمعی دنیوی معرفی می‌کند. با این بیان هر فرد مسلمان در کنش اقتصادی خود نیازمند تحلیل کلان است. علاوه بر اینکه تدبیر اخلاقی دولت اسلامی نیز به تحلیل کلان نیاز دارد. البته این بحث نافی این نیست که اقتصاد خرد یا ترکیبی از اقتصاد کلان و خرد یا هر نوع دیگر از تحلیل علمی در اقتصاد اسلامی مورد توجه قرار گیرد. بحث هماهنگی یا ناهماهنگی یک بحث مذهب اقتصادی است و در فضای اقتصاد اسلامی برای رسیدن به مرحله علم اقتصاد هنوز نیازمند بهره‌گیری از مبانی متعدد و روش علمی است.

## منابع و مأخذ

۱. آریلاستر، آنتونی (۱۳۷۷). *لیبرالیسم غرب: ظهور و سقوط*. ترجمه عباس مخبر. تهران، نشر مرکز.
۲. آنیکین، آندری ولادیمیروویچ (۱۳۵۸). *جوانی یک علم، تاریخ علم اقتصاد*. ترجمه ناصر گیلانی. تهران، تیرنگ.
۳. اسلاملوئیان، کریم (۱۳۹۹). *اقتصاد کلان پیشرفته با رویکرد اسلامی*. تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۴. الزامل، یوسف بن عبدالله و بن جیلانی، بوعلام (۱۴۱۷ق). *النظرية الاقتصادية الإسلامية اتجاه تحليلي*. ریاض، دار عالم الکتب للطباعة و النشر و التوزیع، فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية.
۵. اسنودان، برایان و هوارد وین (۱۳۹۲). *اقتصاد کلان جدید؛ منشأ، سیر تحول و وضعیت فعلی*. ترجمه منصور خلیلی عراقی و علی سوری. تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۶. دادگر، یدالله و عزتی، مرتضی (۱۳۸۲). *عقلانیت در اقتصاد اسلامی*. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۹ و ۱۰، ۱-۲۳.
۷. الصدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۴ق). *اقتصادنا (موسوعة الشهيد الصدر، ج ۳)*. قم، مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
۸. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۱الف). *الاسلام يقود الحياة (موسوعة الشهيد الصدر، ج ۵)*. قم، مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۱ب). *المدرسة الإسلامية (موسوعة الشهيد الصدر، ج ۵)*. قم، مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۱ج). *المدرسة القرآنية (موسوعة الشهيد الصدر، ج ۱۹)*. قم، مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
۱۱. ایمان، محمدتقی و غفاری نسب، اسفندیار (۱۳۹۱). *بررسی فردگرایی روش‌شناختی و چالش‌های آن در علوم اجتماعی*. جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان، ۲۳(۴۵)، ۱-۱۸.
۱۲. بحرینی یزدی، حسین (۱۴۰۰). *تبیین روش‌شناسانه علم اقتصاد کلان اسلامی در آثار موجود در مقایسه با علم اقتصاد کلان متعارف*. رساله دکتری. قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۳. پسران، هاشم و لاوسون، تونی (۱۳۷۶). *بررسی جنبه‌های روش‌شناختی اقتصاد کینز*. ترجمه غلامرضا آزاد. تهران، نشر دیدار.
۱۴. جمعی از اقتصاددانان مسلمان (۱۳۷۶). *مباحثی در اقتصاد خرد: نگرش اسلامی*. تهران، دانشگاه تربیت مدرس، مؤسسه تحقیقات اقتصادی.
۱۵. رایبسون، جون (۱۳۵۸). *فلسفه اقتصادی*. ترجمه بایزید مردوخی. چ ۲، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۱۶. علم‌الهدی، سیدناصر و توکلی، محمدجواد (۱۳۹۴). نقد و بررسی سیر تحول اندیشه انسان اقتصادی در اقتصاد متعارف. معرفت، ۲۴ (۲۱۸)، ۲۹-۴۶.
۱۷. کرمی اسفه، محمدحسین و بحرینی یزدی، حسین (۱۴۰۰). جایگاه مفهوم و نظریه تعادل در اقتصاد اسلامی (مقایسه اجمالی کاربرد این مفهوم در اقتصاد متعارف و نظر شهید صدر در کتاب اقتصادنا). *جستارهای اقتصادی*. ۱۸ (۳۶)، ۱۷-۳۱.
۱۸. کینز، جان مینارد (۱۳۴۸). *نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول*. تهران، مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۱۹. مولر، جری (۱۴۰۰). *ذهن و بازار، جایگاه سرمایه‌داری در تفکر اروپای مدرن*. ترجمه مهدی نصراله‌زاده. چ ۵، تهران، نشر بیدگل.
۲۰. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۱). *ساختار کلان نظام اقتصادی اسلام*. تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶). *اقتصاد کلان (با رویکرد اسلامی)*. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۲. مینی، پیرو (۱۳۷۵). *فلسفه و اقتصاد، مبادی و سیر تحول نظریه اقتصادی*. ترجمه مرتضی نصرت و حسین راغفر. تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
23. Carabelli, Anna M (1988). *On Keynes's method* New. York, Palgrave Macmillan.
24. Choudhury, Masudul Alam (2006). *Islamic macroeconomics? International Journal of Social Economics (IJSE)*, 33 (2), 86-160.
25. Dow, Sheila C. (1998). *The Methodology of Macroeconomic*

*Thought: A Conceptual Analysis of Schools of Thought in Economics.* Edward Elgar.

26. Mandeville, Bernard de. (1724). *The fable of the Bees.* London.

27. O'Donnell, R. M. (1989). *Keynes: Philosophy, Economics and Politics: The Philosophical Foundations of Keynes's Thought and Their Influence on His Economics and Politics.* Palgrave Macmillan UK.

28. Smith, Adam (1976). *The Theory of Moral Sentiments.* Liberty Fund.

29. ——— (2005). *The Wealth of Nations.* The Pennsylvania State University.

